



گونه شناسی روایات فضیلت حضور در نماز جمعه در کتاب و سائل الشیعه

احمد بصیرت ✓



چکیده

نماز جمعه از مهم‌ترین فرائض عبادی-اجتماعی در اسلام است که دارای ابعاد سیاسی، تربیتی، وحدت‌بخش و معنوی گسترده‌ای است و در منابع حدیثی شیعه، به‌ویژه کتاب «وسائل الشیعه» جایگاهی ویژه دارد. با توجه به اهمیت انجام این فریضه الهی، کاهش حضور مأمومان در برخی مناطق، ضرورت بازشناسی فضایل معنوی و اجتماعی آن را نمایان کرده است. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و به‌کارگیری روش «گونه‌شناسی»، به دسته‌بندی و تحلیل روایات مرتبط با فضیلت حضور در نماز جمعه، در منبع مهم و شریف «وسائل الشیعه» پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این روایات را می‌توان در دو گونه کلی «فضیلت دنیوی» مانند: «استیناف عمل» (شروع دوباره زندگی با بخشش گناهان) و «فضیلت اخروی» مانند: «تخفیف احوال قیامت» تقسیم‌بندی کرد. این گونه‌شناسی نشان می‌دهد که نماز جمعه تنها یک فریضه هفتگی نیست، بلکه یک «پدیده الهی-اجتماعی» است که با ترکیب انگیزه‌های دنیوی و اخروی، فرد را به سوی تزکیه نفس، تقویت ایمان، انسجام جامعه و نجات در قیامت سوق می‌دهد. بنابراین، بازگشت جدی و مشتاقانه به این نهاد، نه تنها یک وظیفه عبادی، بلکه راهکاری مؤثر برای مقابله با بی‌معنایی، فردگرایی و بی‌هویتی در جامعه معاصر به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، نماز جمعه، فضیلت، فضائل اخروی، روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، وسائل الشیعه.

مقدمه

نماز جمعه، از مهم‌ترین فرائض دینی و مناسک برجسته در شریعت اسلام است. این عبادت، علاوه بر بُعد عبادی،

از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عمیقی برخوردار است. به همین دلیل، روایات متعددی در فضیلت و اهمیت آن در منابع حدیثی شیعه نقل شده و در طول تاریخ اسلام، همواره مورد توجه علما و فقها بوده است.

کتاب «وسائل الشیعه» از جامع‌ترین منابع روایی شیعه، مجموعه‌ای ارزشمند از این روایات را در خود جای داده است. از منظر پیشینه پژوهشی، به سبب روایات متنوع درباره نماز جمعه، فقهای شیعه در طول تاریخ به بررسی‌های گوناگونی درباره احکام و ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند. از میان آثار قدما می‌توان به رسائل محقق کرکی (رحمته‌الله) اشاره کرد که به بخشی از احکام نماز جمعه پرداخته است. همچنین رسائل شهید ثانی (رحمته‌الله) ذیل عنوان «خصائص یوم الجمعة» برخی از فضیلت‌های حضور در نماز جمعه را بیان کرده است.

در دوران معاصر نیز پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است؛ از جمله مقاله آثار نماز جمعه در جامعه از دیدگاه قرآن و احادیث نوشته افسانه رضایی و اکرم جعفری منتشر شده در پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، تیر ۱۴۰۳، شماره ۶۰ همچنین مقاله نماز جمعه در اندیشه فقهای مذاهب اسلامی نوشته سید محمدتقی موسوی منتشر شده در نشریه افق‌های نو در فقه سیاسی، سال یازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳.

هرچند این تحقیقات به برخی از جنبه‌های موضوع پرداخته‌اند؛ اما همچنان خلأ پژوهشی قابل توجهی در این حوزه وجود دارد. با وجود تلاش‌های پیشین، تاکنون پژوهشی جامع و یکپارچه که به‌طور هم‌زمان «فضایل معنوی، فردی، اجتماعی و سیاسی» نماز جمعه را در چارچوب روایات شیعه با تمرکز بر کتاب «وسائل الشیعه» و نیز با توجه به چالش‌های جهان معاصر



گونه‌شناسی یک روش‌شناسی تحلیلی و طبقه‌بندی شده است که به فرآیند شناسایی، توصیف و دسته‌بندی پدیده‌ها، موجودیت‌ها یا مفاهیم مختلف براساس ویژگی‌ها، ساختارها و خصوصیات مشترک یا متمایز آن‌ها می‌پردازد.

به طور کلی این مفهوم به دسته‌بندی پدیده‌ها براساس ویژگی‌های مشترک یا الگوهای ساختاری اشاره دارد. اهمیت و کاربردهای گونه‌شناسی شامل موارد زیر است:

- تبیین و ساده‌سازی: گونه‌شناسی به درک عمیق‌تر و ساده‌سازی واقعیت‌های پیچیده کمک می‌کند.
 - کشف الگوها و ساختارها.
 - تحلیل تطبیقی: با ایجاد دسته‌بندی‌های استاندارد، امکان مقایسهٔ نظام‌مند و تحلیل تطبیقی میان اعضای یک گونه یا میان گونه‌های مختلف فراهم می‌گردد.
 - نظریه‌پردازی و پیش‌بینی: گونه‌شناسی می‌تواند بستری برای توسعه نظریه‌ها و چارچوب‌های مفهومی فراهم آورد.
- بنابراین، گونه‌شناسی و دسته‌بندی براساس شباهت‌های ساختاری یا الگوهای مشترک است.

ب) نماز جمعه

«جمعه» در لغت به معنای اجتماع و گردهمایی است^[۱] و در زبان فارسی، جمعه را «آدینه» می‌گویند.^[۲] دربارهٔ علت نام‌گذاری «جمعه» گفته‌اند: نام آن در ابتدا «عروبه» بوده و سپس به تدریج «جمعه» نامیده شده است. علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه در این باره می‌نویسد: «و کان یسمی اولاً یوم العروبه ثم غلب علیه

تحلیل کند، صورت نگرفته است. علاوه بر این، بیشتر تحقیقات موجود با رویکردی فقهی-احکامی داشته‌اند یا از منظر تفسیری و تبلیغی به مسئله نگریسته‌اند؛ درحالی که کمتر به تحلیل تأثیرات اجتماعی، روانی و رفتارشناختی این فریضه بر فرد و جامعه پرداخته شده است.

تأکید بر فضایل این فریضه می‌تواند زمینه‌ساز جلب توجه، ایجاد انگیزه و بازگشت به مشارکت فراگیر باشد. این مقاله در نظر دارد با روش گونه‌شناسی روایات و با تمرکز بر باب «صلاة الجمعة» از کتاب وسائل الشیعه، روایاتی را که بیانگر فضیلت حضور در نماز جمعه هستند، بررسی کند. پرسش‌های پیش‌رو در این پژوهش عبارتند از:

- گونه‌شناسی روایات فضیلت دنیوی حضور در نماز جمعه در کتاب «وسائل الشیعه» چگونه است؟
- گونه‌شناسی روایات فضیلت اخروی حضور در نماز جمعه در کتاب «وسائل الشیعه» چگونه است؟

۱. مفاهیم و کلیات

مفاهیم

الف) گونه‌شناسی

«گونه» در لغت، به معنای جنس،^[۱] نوع،^[۲] قسم، صنف، طور، قاعده، روش، طرز،^[۳] اسلوب،^[۴] طور،^[۵] شیوه، جور، ترتیب، سنخ، راه و طریق آمده است.^[۶]

۱. ناظم الاطباء، برهان ساطع.

۲. منتهی الارب.

۳. فرهنگ شعوری، فرهنگ جهانگیری.

۴. غیاث اللغات.

۵. ترجمان القرآن.

۶. فرهنگ نظام.

۷. لغت نامهٔ دهخدا و معین.

۸. فرهنگ ابجدی، ص ۳۴.

۹. فرهنگ فارسی معین، ص ۴۱۹.

کلیات

■ وجوب فقهی نماز جمعه

موضوع «وجوب فقهی نماز جمعه» از مباحث مهم و مورد بحث در فقه اسلامی است. میان مذاهب اسلامی، حتی درون یک مذهب، مانند فقه شیعه امامیه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

■ دیدگاه فقه شیعه (امامیه)

در فقه شیعه، وجوب نماز جمعه از مباحث پُرچالش است که به طور کلی، به پنج دوره اصلی تقسیم می‌شود:

دوره اول: عصر ائمه علیهم‌السلام

در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام به علت اینکه امام بسط ید داشته است، نماز جمعه، واجب عینی بوده است؛ با این حال، از مجموع روایات ائمه علیهم‌السلام می‌توان استنباط به وجوب تخییری کرد.

ائمه علیهم‌السلام علاوه بر حضور در نماز جمعه و تشویق شیعیان به شرکت در آن، در پاسخ به پرسش از حکم این نماز، شیعیان را راهنمایی می‌کردند که با شرکت در نماز جمعه مخالفان، نماز ظهر را نیز بخوانند.

دوره دوم: قدما

این دوره از آغاز غیبت کبری (۳۲۹ ق) تا اوایل قرن پنجم ادامه دارد؛ یعنی حدود هشتاد سال پس از زمان شیخ طوسی که برابر با دوره ابن ادریس است. میان فقهای این دوره، نسبت به این مسئله، تسالم وجود داشته که اقامه نماز جمعه حضور امام معصوم علیه‌السلام به عنوان امام جمعه یا اذن او برای امامت جمعه، شرط نماز جمعه

اسم الجمعه»^[۱] (ابتدا روز جمعه، عروبه نام داشت سپس نام جمعه بر آن غلبه یافت).

در این روز مردم در معابد برای نیایش‌های مختلف اجتماع می‌کردند.

راغب اصفهانی می‌گوید: روز جمعه را به جهت اجتماع مردم، «جمعه» گفته‌اند.^[۲]

نماز جمعه از معدود نمازهایی است که به طور مستقیم در قرآن ذکر شده^[۳] و در احادیث متعددی از اهمیت روز جمعه و نماز آن یاد شده است.^[۴]

نماز جمعه به فریضه عبادی، سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای اطلاق می‌گردد که دارای ویژگی‌های ذیل است:

- از حیث زمان: در ظهر روز «جمعه» هر هفته اقامه می‌شود و جایگزین نماز ظهر است.^[۵]
- از حیث کیفیت: شامل دو خطبه پیش از اقامه نماز، و سپس دو رکعت نماز با کیفیت خاص است.
- از حیث شرایط: اقامه آن به جماعت و با حضور حداقل نصاب شرعی، واجب یا مستحب مؤکد است.^[۶]

این سه مورد در کتب فقهی به صورت تفصیلی بررسی شده و درباره هر یک، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه گردیده است.^[۷] نماز جمعه، تنها یک عبادت فردی نیست، بلکه نهادی جامع با کارکردهای عبادی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و وحدت‌بخش است که نقش محوری در حیات دینی و اجتماعی مسلمانان ایفا می‌کند و به سبب حضور گسترده مردم، بازتاب‌دهنده قدرت و انسجام جامعه اسلامی است.

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۷۳.
۲. قاموس قرآن، ج ۲، ص ۴۹؛ مفردات الفاظ القرآن، ص ۹۷.
۳. جمعه، آیه ۹.
۴. وسائل الشیعه، ج ۷.
۵. صلاة الجمعة، ص ۱۳.
۶. وسائل الشیعه، ج ۷، روایات شرایط صلاة الجمعة.
۷. مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط حدیثه)، ج ۸، ص ۴۶۲، ۱۷۲.

از مراجع معاصر به حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، مرحوم آیت الله اراکی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله تبریزی، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله خویی، آیت الله بهجت و مقام معظم رهبری اشاره کرد که همگی قائل به تخییر هستند. حتی برخی از آنان مانند آیت الله تبریزی، آیت الله خویی و آیت الله مکارم، احتیاط واجب کرده اند که در صورت اقامه نماز جمعه، شرکت در آن واجب است.

در مقابل، آیت الله بروجردی و برخی از شاگردان ایشان مانند: آیت الله گلپایگانی و همچنین آیت الله صافی گلپایگانی، نماز جمعه را مکفی نمی دانند و به عدم مشروعیت آن تمایل دارند؛ برای مثال آیت الله گلپایگانی و همچنین آیت الله صافی، می گویند: نماز ظهر را «رجاء» بخوانید؛ یعنی احتمال عدم مشروعیت نماز جمعه را مطرح می کنند.

همچنین آیت الله زنجانی معتقدند در زمانی که وقت نماز جمعه است، شخص احتیاط کند و نماز ظهر را در آن وقت نخواند، بلکه آن را پس از پایان وقت نماز جمعه، به جا آورد. ایشان وقت نماز جمعه را یک دوازدهم، از روز می داند که با توجه به کوتاهی و بلندی روز در ایام سال، مختلف است.

جمع بندی

آرای فقهای قدیم و جدید در عصر غیبت، درباره عدم وجوب تعیینی اقامه نماز جمعه، نوعی تسالم وجود دارد؛ هر چند از زمان شهید ثانی به بعد، برخی آن را واجب تعیینی دانسته اند؛ اما این دیدگاه در اجماع و تسالم فقهای قدیم تأثیری ندارد؛ زیرا این گروه از متأخران، بلکه حتی از متأخرالمتأخرین به شمار می آیند.^[۱]

۱. درس خارج استاد محمدی ری شهری، (صلاة الجمعة)، ۳ / دی / ۱۳۹۱.

است؛ اما نسبت به جواز یا عدم جواز اقامه نماز جمعه در عصر غیبت که به امام دسترسی نیست، اختلاف نظر داشته اند.

دوره سوم: متأخرین

دوره متأخرین از زمان ابن ادریس (۵۴۳. ۵۹۸ ق) شروع می شود تا زمان محقق کرکی (۹۴۰ م) ادامه می یابد. در این دوره، بیشتر فقها قائل به تخییر بین نماز جمعه و نماز ظهر شده اند؛ غیر از ابن ادریس که اقامه جمعه را مشروع نمی داند.

بنابراین تا پایان این دوره، مشهور فقهای شیعه از قدما و متأخرین، قائل به وجوب تخییری بوده اند.

دوره چهارم: متأخر المتأخرین

این دوره، از محقق کرکی (۹۴۰ م) آغاز می شود و تا زمان وحید بهبهانی (۱۲۰۵) ادامه دارد؛ یعنی حدوداً از قرن دهم تا اوایل قرن سیزدهم. این دوره، مقارن با قدرت گرفتن دولت صفویه و اوج گیری جریان اخباری است؛ به همین دلیل مباحث مربوط به نماز جمعه، به شدت مورد مناقشه قرار گرفت. در این دوره، دیدگاه وجوب عینی نماز جمعه مطرح، و شهید ثانی رحمته الله علیه رساله ای مستقل در اثبات وجوب تعیینی نماز جمعه نگاشته و فیض کاشانی نیز از این نظر دفاع کرده است. در مقابل، گروهی از فقها همچنان طرفدار وجوب تخییری بوده اند و جمعی دیگر نیز اساساً نماز جمعه را در عصر غیبت، مشروع نمی دانستند.

دوره پنجم: معاصر

این دوره از زمان وحید بهبهانی آغاز می شود و تا دوره معاصر، یعنی جمهوری اسلامی ادامه دارد. نظر علما در طول این دوپست سال اخیر، غالباً قائل به «تخییر» بوده اند؛ از جمله می توان به صاحب جواهر و

۲. گونه شناسی روایات فضیلت دنیوی نماز جمعه

حضور در نماز جمعه، از منظر روایات اهل بیت علیهم السلام افزون بر آثار اخروی، دارای فضایل و برکات دنیوی متعددی است. این روایات با بیانی نمادین و در عین حال معنامحور، به تبیین تأثیر این عبادت جمعی بر زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌پردازند. انگیزه‌های دینی القاشده در این احادیث، میل مؤمنان را به مشارکت در نماز جمعه و پیوستن به جماعت، تقویت می‌کند و نشان‌دهنده پیوند وثیق میان عمل عبادی و زیست اجتماعی در اندیشه اسلامی است.

۱.۲. استیناف عمل

در منابع روایی، تعبیر «استیناف عمل» به‌عنوان بشارتی برای برخی اعمال عبادی ذکر شده است؛ از جمله:

- زمانی که شخص به حج برود و در عرفات وقوف داشته باشد.^[۱]
 - کسی که سه روز در ماه رجب، روزه بگیرد.^[۲]
 - زیارت امام حسین علیه السلام به صورت پیاده.^[۳]
 - نخستین عطای الهی به زائر امام حسین علیه السلام.^[۴]
 - کسی که سه روز از ماه شعبان روزه بگیرد.^[۵]
 - محبت و ولایت امام علی علیه السلام.^[۶]
- و موارد دیگری که در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است.

نماز جمعه از جمله اعمالی است که برای شرکت‌کننده آن، وعده «استیناف عمل» داده

شده است؛ یعنی آغاز دوباره و پاک‌شدن از گناهان گذشته.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَتَى الْجُمُعَةَ إِيْمَانًا وَ اخْتِسَابًا اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ». ^[۷] رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس با ایمان و برای طلب ثواب الهی در نماز جمعه حاضر شود، عمل خود را از نو آغاز می‌کند.

بررسی سندی روایت:

برخی محدثین از قدما، همچون شیخ صدوق رحمته الله علیه تنها روایاتی را نقل می‌کردند که بدان فتوا می‌داده‌اند و از نقل روایات دیگر خودداری می‌کرده‌اند؛ بلکه گاه قسمتی از روایت را که مخالف فتوای آنها بوده، نقل نمی‌کردند.^[۸] اگر شیخ صدوق رحمته الله علیه یا هر شخص ثقه‌ای شهادت به وثاقت شخص دهد، مورد قبول است؛ اما حکم اشخاص به اعتبار روایت از قرائن خارجی نامشخص مانند حدسیات، بعید عن الحس بوده و پذیرفته نیست.^[۹]

درباره اعتبار روایات «من لایحضره الفقیه» دو نظر وجود دارد:

الف) وثاقت عام روایات کتاب

- برخی عقیده دارند که تمام روایات این کتاب، معتبر است و دودلیل بر ادعای خود ذکر می‌کنند:
- شیخ صدوق رحمته الله علیه در مقدمه بیان کرده است؛ روایاتی را که در این کتاب آوردم براساس آنها فتوا داده‌ام و به صحت آن روایات عقیده دارم و بین خود و خدا، آن روایات را حجت میدانم.
- تصریح وی به اینکه روایات کتاب از منابع مشهور و مورد اعتماد، اعم از اصول و مصتفات، استخراج شده و طرق وی به آن منابع مشخص بوده است.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۷.

۸. کتاب النکاح، ج ۲، ص ۴۴۸.

۹. کتاب النکاح، ج ۱۸، ص ۵۹۶۴.

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۴.

۳. کامل الزیارات، ص ۱۳۲.

۴. کامل الزیارات، ص ۲۹۲.

۵. الامالی، ص ۱۹.

۶. فضائل الشیعه، حدیث ۱، ص ۵.

ب) لزوم بررسی سندی روایات

در مقابل گروهی معتقدند همه روایات کتاب «من لایحضره الفقیه» صحیح نیست؛ زیرا در آن، روایات مرسل فراوانی وجود دارد و در میان راویان برخی اسناد نیز افراد مجهول یا ضعیف دیده می‌شوند. بنابراین، هر روایت نیازمند بررسی مستقل سندی است و نمی‌توان حکم به صحت کلی آن داد.^[۱]

توضیح مفردات روایت:

این روایت در کتاب «من لایحضره الفقیه» با تعبیر «الْجُمُعَة» نقل شده است؛^[۲] اما شیخ صدوق در کتاب «ثواب الأعمال» و عقاب الأعمال، به جای «الْجُمُعَة»، واژه «الْجَمَاعَة» را آورده است.^[۳]

۱. اشکالات بر ادله قائلین به صحت تمام روایات: اشکال به دلیل اول: ۱. شهادت شیخ صدوق در مورد روایات من لایحضره الفقیه شهادت عن حدسی است نه عن حسی یعنی وقتی می‌گوید این روایات صحیح است مبتنی بر اجتهاد و نظر خودش می‌گوید. ۲. شیخ صدوق در تصحیح و تضعیف روایات، مقلد مشایخ خودش بوده و اینطور نبوده که مستقلاً به تصحیح و تضعیف روایات بپردازد؛ یعنی خودش بررسی نکرده بیند روایات ثقه هستند یا نه بلکه عمدتاً در تضعیف و تصحیح روایات مقلد ابن ولید (استاد شیخ صدوق) و پدرش بوده است. اشکال به دلیل دوم: ۱. این کتب مشهوره و معروفه که شیخ صدوق به آنها استناد میکند مشخص نشده است؛ فقط بعضی از صاحبان این کتابها را شیخ صدوق در مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه ذکر کرده است که آن کتب هم از کتب معروفه و مشهوره نیستند؛ مثلاً شیخ صدوق گفته این روایت را از رساله پدرم اخذ کرده‌ام. ۲. سلیمان که تمام کتبی که شیخ صدوق روایات من لایحضره الفقیه را از آنها اخذ کرده معروف و مشهور بوده‌اند ولی آیا صرف اخذ روایات از کتب معروفه و مشهوره دلالت بر اعتبار روایات من لایحضره الفقیه میکند؟ صحت و عدم صحت روایات، غیر از معروفه بودن یا نبودن این کتب است و اخذ روایات از کتب مشهوره ربطی به صحت و عدم صحت روایات ندارد. (درس خارج فقه، صلاة الجمعة، آیت‌الله سید مجتبی نور مفیدی)

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۷.

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۳۷.

شیخ حر عاملی رحمته الله علیه در کتاب «وسائل الشیعه» این روایت را در دو موضع، نقل کرده و در هر دو مورد، لفظ «الْجُمُعَة» را ذکر نموده است؛ چه در نقل از «من لایحضره الفقیه»^[۴] و چه در نقل از «ثواب الأعمال».^[۵] ظاهر امر آن است که وی نسخه مشتمل بر «الْجُمُعَة» را ترجیح داده و قرائت «الْجَمَاعَة» را نپذیرفته است.

واژگان کلیدی روایت عبارت‌اند از:

- «من أتى الجمعة» هر کس در نماز جمعه حاضر شود.^[۶]
- «ایمانا» با اعتقاد به برتری و فضیلت آن یا همراه با ایمان.^[۷]
- «احتساباً» از روی اخلاص و برای رضای پروردگار بلند مرتبه.^[۸]
- «استأنف العمل» کنایه از بخشش گناهان است؛ یعنی خداوند گناهان گذشته‌اش را بخشیده و او را چنان می‌سازد که گویی در روزی که مادرش او را به دنیا آورده، دوباره زاده شده است.^[۹]
- بر اساس این روایت، تحقق «استیناف عمل» مشروط به دو امر است؛ اعتقاد و ایمان به فضیلت نماز جمعه.
- اخلاص و قصد قربت.
- این روایت، بیانگر جایگاه رفیع نماز جمعه در منظومه عبادی اسلام است و می‌تواند برای مؤمنانی که در مقاطعی از زندگی، دچار لغزش شده‌اند و در پی جبران و بازسازی معنوی خویش‌اند، امیدآفرین و انگیزه‌بخش باشد.

۴. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۹۶.

۵. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۹۸.

۶. روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۵.

۷. روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۵.

۸. روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۵.

۹. حاشیه من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۷.

۲.۲. حج مساکین

حج بیت الله الحرام، با تمام شکوه و عظمت خود، آرزوی قلبی هر مسلمانی است؛ سفری معنوی که دل‌ها را به مبدأ هستی گره می‌زند و روح را صیقل می‌دهد؛ اما از آنجا که این سفر پربرکت، مستلزم توانایی‌های مادی و جسمی خاصی است، همواره این دغدغه وجود داشته که چگونه می‌توان فرصت بهره‌مندی از برکات مشابه را برای عموم جامعه، به‌ویژه آنان که دستشان از دنیا کوتاه‌تر است، فراهم آورد. اینجا است که کلام گهربار «نماز جمعه، حج مساکین است» جلوه‌گر می‌شود؛ عبارتی پرمعنا که نه تنها نماز جمعه را صرفاً یک فریضه هفتگی نمی‌داند، بلکه آن را به سکوی پرتابی برای عروج معنوی و تجلی‌گاه وحدت و همدلی برای نیازمندیانی بدل می‌سازد که شاید هرگز فرصت حضور در مکه را نیابند.

«وَ یَا سَادَهِ (حسین بن عبید الله غضائری عن احمد بن محمد بن یحیی العطار) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقُضَيْلِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ: جَاءَ أَغْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ ص يُقَالُ لَهُ قُلَيْبٌ - فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - إِنِّي تَهَيَّأْتُ إِلَى الْحَجِّ كَذَا وَ كَذَا مَرَّةً فَمَا قُدِّرَ لِي فَقَالَ لِي يَا قُلَيْبُ عَلَيْكَ بِالْجُمُعَةِ فَإِنَّهَا حَجُّ الْمَسَاكِينِ»^[۱]

بررسی سند روایت:

نجاشی درباره حسین بن عبیدالله غضائری، می‌گوید: امامی است^[۲] و علامه حلی نیز در الخلاصه، وی را «ثقه، جلیل، امامی صحیح المذهب» معرفی کرده است.^[۳]

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۳۷.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۸۵.

۳. رجال العلامة الحلی، ص ۵۰.

احمد بن محمد بن یحیی العطار: در منابع رجالی توثیق خاصی درباره او نقل نشده است؛ با این حال از باب توثیق عام مورد توجه قرار گرفته است. آیت الله خویی درباره او می‌نویسد: «احمد بن محمد بن یحیی العطار القمی، من مشایخ الصدوق، روی عن أبیه». از این‌رو شیخ صدوق و حسین بن عبیدالله غضائری بسیار از او روایت نقل کرده‌اند.^[۴]

محمد بن یحیی العطار: نجاشی درباره او می‌گوید: «شیخ اصحابنا فی زمانه، ثقه عین».^[۵]

محمد بن علی بن محبوب الاشعری القمی: نجاشی او را چنین توصیف می‌کند: «شیخ القمیین فی زمانه، ثقه عین، فقیه، صحیح المذهب».^[۶]

نجاشی درباره محمد بن عیسی بن عبید می‌گوید: «ثقه»^[۷]، جلیل فی اصحابنا، ثقه عین، کثیر الروایه، حسن التصانیف».^[۸] محمد بن الحصین الأهوازی العبدی: در کتب رجالی درباره او جرح یا تعدیلی ذکر نشده است؛ اما در شرح کافی ملاصالح مازندرانی درباره او آمده است:

«الظاهر أنه عبدالله بن محمد بن الحصین الأهوازی الثقة الراوی عن الرضا علیه السلام».^[۹] محمد بن الفضیل الصیرفی: شیخ طوسی او را ضعیف دانسته است؛^[۱۰] اما آیت الله شبیری زنجانی وی را ثقه می‌داند.^[۱۱]

۴. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۳، ص ۱۲۰.

۵. رجال نجاشی، ص ۳۵۳.

۶. رجال نجاشی، ص ۳۴۹.

۷. رجال نجاشی، ص ۳۴۸.

۸. رجال نجاشی، ص ۳۳۳.

۹. شرح کافی، ج ۲، ص ۵۰.

۱۰. رجال طوسی، ص ۳۴۳؛ رجال العلامة الحلی، ص ۲۵۰.

۱۱. درباره تضعیف محمد بن الفضیل صیرفی دو عبارت در کتب رجال دیده می‌شود؛ نخست عبارت شیخ طوسی در باب اصحاب الرضا عليه السلام یرمی بالغلو؛ اما این عبارت دلیل ضعف وی نمی‌باشد. زیرا علاوه بر این، شیخ طوسی

عبد الرحمن بن زید بن اسلم: در منابع رجالی درباره او جرح یا تعدیلی گزارش نشده است.

بر این اساس مرحوم محمد باقر مجلسی رحمته الله علیه سند این روایت را «مجهول»^[۱] دانسته است.^[۲]

بررسی دلای روایت:

با صرف نظر از ضعف سند، اگر دلالت روایت را بررسی کنیم، مراد از «الجمعه»، نماز جمعه است. شخصی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد که بارها برای رفتن به حج آماده شدم، اما توفیق آن فراهم نشده است؛ حضرت فرمود: «بر تو باد به نماز جمعه؛ زیرا آن حج مساکین است». ظاهر روایت چنین می‌رساند که اگر کسی نتواند به حج مشرف شود، با حضور در نماز جمعه می‌تواند از ثواب و فضیلتی همانند حج بهره‌مند گردد.

این روایت به روشنی اهمیت شرکت در نماز جمعه را نشان می‌دهد؛ که در ترازوی فضیلت با حج، سنجیده شده است، این در حالی است که در روایات فراوانی در کتاب الحج^[۳]، برتری و عظمت حج نسبت به بسیاری از اعمال دیگر بیان شده و جایگاه والایی برای آن ترسیم گردیده است.

۳.۲. زمان‌های استجابت دعا

دعا، سلاح مؤمن و پلی است میان بنده و پروردگارش که حاجات خود را از درگاه الهی

نسبت غلو را باور نداشته، بلکه تنها رمی به غلو را نقل کرده است. نسبت دادن يك راوی به غلو اعتباری ندارد، چون غلو به معنای از حد گذراندن می‌باشد؛ یعنی در باب ائمه عليهم السلام به مقامات بیش از اندازه قائل شدن، این مفهوم وابسته به مقاماتی است که ما برای ائمه عليهم السلام قائل هستیم که خود امری است اجتهادی که در آن اختلاف دیدگاه‌ها فراوان است.

شهادت در امور استنباطی که مورد اختلاف نظر شدید است، حجیت ندارد؛ بلکه تنها در امور حسی یا قریب به حس که اختلاف انظار در آن اندک است اعتبار دارد؛ پس شهادت به غلو از سوی هر کس باشد تنها نظر و دیدگاه او را مشخص می‌سازد و اعتبار تعدی برای شخص دیگر ندارد. عبارت دوم: عبارت «ضعیف» می‌باشد که در ترجمه وی در باب اصحاب الکاظم عليه السلام از رجال شیخ به کار رفته است. ولی در مقابل آن اماراتی وجود دارد که وثاقت وی را ثابت می‌کند.

اولاً: نجاشی هیچ اشاره به ضعف وی نکرده است؛ بلکه تنها عبارت «هذه النسخة يرويها جماعة» را درباره کتاب وی استفاده کرده است و از طرفی چون برخی از راویان، از کتاب او روایت کرده‌اند؛ به عقیده ما دلیل وثاقت وی می‌باشد.

ثانیاً: بسیاری از بزرگان که برخی از آنها از اصحاب اجماع هستند مانند: حسن بن محبوب و حسن بن علی بن فضال از وی بسیار روایت کرده‌اند.

ثالثاً: احمد بن محمد بن ابی نصر برنطی و صفوان بن یحیی از وی روایت کرده‌اند، این دو از کسانی هستند که «لا يروون ولا يرسلون الا عن ثقة» و مشایخ آنها به عقیده ما امامی ضابط و صدوق می‌باشند.

رابعاً: روایات وی در کافی که مؤلف در صدد جمع‌آوری «الآثار الصحيحة عن الصادقين عليه السلام...» بوده

و نیز در کتاب من لا يحضره الفقيه که تنها روایاتی را آورده که به گفته مؤلف «... بل قصدت الي ايراد ما افتى به و احکم بصحته و اعتقد فيه انه حجة قيمة بيني و بين ربي تقدس ذكره...» بسیار زیاد وارد شده است که هر يك از این دو در اثبات وثاقت ابن راوی کفایت می‌کند. خصوصاً با عنایت به این که صدوق و کلینی هر دو از علماء رجال بوده‌اند و از حالات راویان آگاه هستند.

خامساً: به گفته مجلسی اول با مقایسه روایات وی با روایات معتبر و موثق بر می‌آید که وی راوی ثقہ بوده است. با روش متن‌شناسی می‌توان اعتبار يك راوی را شناخت.

بنابراین تردیدی بر جای نمی‌ماند که محمد بن فضیل از روات ثقہ و مورد اعتماد بوده، و تضعیف وی نیز ناشی از همان رمی به غلو می‌باشد که از درجه اعتبار برخوردار نیست. کتاب النکاح، ج ۸، ص ۲۸۰.

۱. روایات مجهول چه روایتی می‌باشند؟ ... و بالجملة جهالة الرجل علی معنی عدم تعریف حاله من حيث عدم الظفر بذكرة أو بمدحه أو ذمة فی الكتب الرجالية ليس ممّا يسوغ الحكم بضعف السند، أو الطعن فيه، كما ليس يسوغ تصحيحه أو تحسينه أو توثيقه، إنما تكون الجهالة والإهمال من أسباب الطعن، بمعنى حكم أئمة الرجال علی الرجل بأنه مجهول أو مهمل... مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۷۵.

۲. ملاذ الاختیار فی فهم تهذیب الاخبار، ج ۵، ص ۴۴۱.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۷.

طلب می‌کند. در این میان، دین مبین اسلام زمان‌هایی را به‌عنوان اوقات شریف برای دعا معرفی کرده که امید استجاب در آن‌ها افزون‌تر است.

۱۳.۲. اتمام خطبه تا آغاز نماز

از زمان‌های برگزیده، فاصله میان پایان خطبه‌ها و آغاز نماز جمعه است. این مقطع زمانی، که پس از شنیدن مواظ و اندرزهای خطیب و در آستانه ادای فریضه نماز قرار دارد، فرصتی استثنایی برای توجه به ذات اقدس الهی و زمزمه حاجات، پیش از برپایی صفوف نماز به شمار می‌آید. در این هنگام، صفوف نمازگزاران هنوز به طور کامل شکل نگرفته و دل‌ها، فارغ از مشغله‌های دنیوی، آمادگی بیشتری برای برقراری ارتباطی عمیق با خالق خویش دارند.

روایت:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «السَّاعَةُ الَّتِي يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَا بَيْنَ فِرَاقِ الْإِمَامِ مِنَ الْخُطْبَةِ إِلَى أَنْ يَسْتَوِيَ النَّاسُ فِي الصُّلُوفِ وَ سَاعَةٌ أُخْرَى مِنْ آخِرِ النَّهَارِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ».^[۱]

بررسی سند روایت:

محمد بن یحیی العطار: نجاشی درباره او می‌گوید: «شیخ اصحابنا فی زمانه، ثقة، عین».^[۲] احمد بن محمد بن عیسی‌الاشعری: شیخ طوسی او را «ثقه» دانسته است.^[۳] حسین بن سعید الاهوازی: شیخ طوسی درباره او می‌گوید: ثقه، امامی صحیح المذهب.^[۴]

۱. الکافی، ج ۳، ص ۴۱۴.
۲. رجال النجاشی، ص ۳۵۳.
۳. رجال طوسی، ج ۱، ص ۳۵۱.
۴. رجال طوسی، ص ۳۵۵؛ فهرست کتب الشیعه، ص ۱۴۹.

نضر بن سوید صیرفی: شیخ طوسی او را «ثقه» معرفی کرده^[۵] و نجاشی نیز درباره او گفته است: «ثقه صحیح المذهب».^[۶] عبدالله بن سنان: شیخ طوسی او را ثقه دانسته^[۷] و نجاشی نیز گفته است: ثقه، من اصحابنا، جلیل، لایطعن علیه فی شیء.^[۸] با توجه به توثیقات یادشده درباره روایان این سند، روایت از اعتبار کافی برخوردار است و صحیح به شمار می‌آید.^[۹]

توضیح مفردات روایت:

مراد از «ساعت» به قرینه اینکه میان پایان خطبه تا آغاز نماز نباید فاصله زیادی وجود داشته باشد، شصت دقیقه مصطلح نیست؛ بلکه منظور بازه‌ای کوتاه از زمان است؛ یعنی لحظاتی که امام، خطبه را به پایان رسانده و درآستانه اقامه نماز قرار گرفته است.

بررسی دلالی روایت:

بر اساس این روایت یکی از زمان‌های استجاب دعا، فاصله میان پایان خطبه‌های

۵. رجال طوسی، ج ۱ ص ۳۴۵.
۶. رجال النجاشی، ص ۴۲۷.
۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۷۱۰.
۸. رجال النجاشی، ص ۲۱۴.
۹. حدیث، نزد قدما از حیث اعتبار بر دو نوع است: حدیث معتبر، حدیث غیر معتبر - اگر قرائن داخلی مثل وثاقت راوی و قرائن خارجی مثل اصل معتبر شناخته شده منتسب به گروهی مثل زراره و... را داشت باشد حدیث معتبر یا صحیح است و می‌توان به حدیث استناد کرد؛ ولی اگر هر دو، این مرتبت‌ها را نداشت، حدیث غیر صحیح یا غیر معتبر است که نمی‌شود به آن استناد کرد؛ هرچند ممکن است که از معصوم علیه السلام صادر شده باشد. سید احمد بن طاووس استاد علامه حلی و ابن داود حلی این تقسیم را تغییر داده و به چهار نوع تقسیم کرده است از جمله: صحیح، موثق، حسن، ضعیف. کلیات فی علم الرجال، ص ۳۵۹.
- حدیث صحیح، حدیثی است که سند آن به معصوم علیه السلام توسط عدل امامی در جمیع طبقات متصل شده باشد. الراعیه فی علم الدرايه، ص ۷۷ - وصول الاختیار الی اصول الاخبار، ص ۹۳؛ الرواشح السماویة فی شرح احادیث الامیه، ص ۴۰.

امام، به‌ویژه پس از پایان خطبه دوم تا هنگام آغاز نماز جمعه است. از این‌رو، مؤمنان شایسته است از این فرصت کوتاه و ارزشمند برای دعا و طلب حاجات بهره ببرند.

۲.۳.۲. آغاز خطبه امام

از زمان‌هایی که دعا در آن مستجاب می‌شود، آغاز خطبه‌های امام است. این لحظه معنوی، که در آستانه اقامه نماز جمعه و پیش از ایراد کامل مواضع خطیب فرا می‌رسد، فرصتی ارزشمند برای حضور قلب، راز و نیاز و توجه ویژه به درگاه الهی است. در این زمان، دل‌ها هنوز درگیر امور روزمره نشده و آمادگی بیشتری برای توجه و تضرع دارند.

محمد بن یحیی‌العطار عن احمد بن محمد بن عیسی‌الاشعری عن احمد بن محمد بن ابی‌نصر البزنطی عن معاویه بن عمار دهنی: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام السَّاعَةُ الَّتِي فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ الَّتِي لَا يَدْعُو فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ قَالَ نَعَمْ إِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ قُلْتُ إِنَّ الْإِمَامَ يُعَجِّلُ وَيُؤَخِّرُ قَالَ إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ».

بررسی سند روایت:

محمد بن یحیی‌العطار: نجاشی درباره او گفته است: «شیخ اصحابنا فی زمانه، ثقّه، عین».^[۱]
احمد بن محمد بن عیسی‌الاشعری: شیخ طوسی او را «ثقّه» دانسته است.^[۲]
احمد بن محمد بن ابی‌نصر البزنطی: شیخ طوسی درباره او می‌گوید: «ثقّه»، «لقی الرضا عليه السلام و کان عظیم المنزله عنده».^[۳]

۱. رجال النجاشی، ص ۳۵۳.

۲. رجال طوسی، ج ۱، ص ۳۵۱.

۳. فهرست کتب الشیعه، ج ۱، ص ۵۰.

معاویه بن عمار دهنی: نجاشی درباره او گفته است: «کان وجهاً فی اصحابنا و مقدماً کبیر الشان عظیم المجل ثقّه».^[۴]
بنابراین، این روایت از نظر سند، از روایات بسیار معتبر است و صحیح محسوب می‌شود.

بررسی دلالت روایت:

بر اساس این روایت، هنگام خروج امام و آغاز خطبه، زمان استجابت دعا است؛ البته چون راوی در پرسش خود به دنبال تعیین مصداق انحصاری این زمان بوده، ممکن است چنین پنداشته شود که روایت در مقام حصر است؛ اما از آنجا که امام عليه السلام در پاسخ، تعبیر دال بر حصر به کار نبرده‌اند، حصر از پاسخ حضرت استفاده نمی‌شود. اشکال به دلالت روایت: امام در سوال دوم راوی می‌فرماید: «زمانی که خورشید زائل شد دعا کن. با توجه به این فرینه شاید شروع خطبه‌ها را نتوانیم ملاک برای استجابت دعا بدانیم؛ بلکه زوال خورشید ملاک باشد، یعنی زمان زوال خورشید برای استجابت دعاست»^[۵] چه نماز جمعه شرکت بکند و چه شرکت نکند.

جواب: اذان، زمان زوال خورشید گفته شده و خطبه‌ها بلافاصله آغاز می‌شود. اگر سائل سوال نمی‌کرد، قطعاً امام ادامه نمی‌داد و ملاک، همان شروع خطبه‌ها محسوب می‌شد، با توجه به اینکه راوی بیان کرده است، امام در برخی از موارد تاخیر در برخی دیگر تعجیل می‌کند؛ حضرت این ملاک را در پاسخ بیان کرده است. لذا می‌توان گفت این روایت زمان استجابت دعا را شروع خطبه‌ها دانسته است.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۱۱.

۵. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ إِسْهَاقَ بْنِ أَبِي الْبَلَاءِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «اطْلُبُوا الدَّعَاءَ فِي أَرْبَعِ سَاعَاتٍ: عِنْدَ هُتُوبِ الزَّيْحِ، وَ زَوَالِ الْأَفْيَاءِ، وَ زَوَالِ الْقَطْرِ، وَ أَوَّلَ قِطْرَةٍ مِنْ دَمِ الْقَتِيلِ الْمُؤْمِنِ؛ فَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تَفْتَحُ عِنْدَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ»، الكافي، ج ۴، ص ۳۱۸.

۳. گونه‌شناسی روایات فضیلت اخروی

روایات متعددی از معصومین علیهم‌السلام درباره پاداش‌های اخروی حضور در نماز جمعه نقل شده است؛ این روایات، نماز جمعه را از سطح یک عمل عبادی صرف فراتر می‌برند و آن را به فرصتی برای تقویت رابطه انسان با خداوند و نیل به سعادت اخروی تبدیل می‌کنند.

۱.۳. تخفیف احوال قیامت

یکی از فضیلت‌های اخروی حضور در نماز جمعه، تخفیف سختی‌ها و هول و هراس روز قیامت است. هر قدمی که مؤمن به سوی مسجد برمی‌دارد، گامی است در جهت کاهش وحشت‌های روز قیامت؛ روزی که دل‌ها لرزان و چشمان وحشت‌زده خواهند بود. این عنوان، با زبانی مجازی و تأثیرگذار، به ما یادآوری می‌کند که عبادات جمعی، به ویژه نماز جمعه، تنها برای برآوردن وظیفه نیست، بلکه سرمایه‌گذاری معنوی در برابر سختی‌های آخرت است.

«حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْه الْقُمِّيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلُوْنِي عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَسَأَلُوهُ عَنْ سَبْعِ خُصَالٍ فَقَالَ أَمَّا يَوْمُ الْجُمُعَةِ فَيَوْمٌ يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى فِيهِ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا حَفَفَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَهْوَالُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ - ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ»^[۱]

۱. الامالی، ص ۱۹۵.

بررسی سند روایت:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلُوْنِي: در وثاقت او تردیدی وجود ندارد؛ به‌ویژه وی از مشایخ برجسته شیخ صدوق رحمته‌الله به شمار می‌آید و در طرق نقل بسیاری از روایات آمده است. مهم‌ترین استاد شیخ صدوق رحمته‌الله، پدرش و پس از وی ابن ولید بوده است.^[۲]

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ: نجاشی درباره او می‌گوید: «سید من أصحابنا القميين، ثقة، عالم، فقیه، عارف بالأدب و الشعر و الغریب».^[۳]

أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ: نجاشی درباره او می‌نویسد: «و كان ثقة في نفسه، يروى عن الضعفاء و اعتمد المراسيل».^[۴] شیخ طوسی درباره او گفته است: «و كان ثقة في نفسه، غير أنه أكثر الرواية عن الضعفاء و اعتمد المراسيل».^[۵] أَبِي الْحُسَيْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْبَرْقِيِّ: نام و شرح حال روشنی از او در منابع رجالی در دست نیست؛ از این رو، وی در شمار راویان مجهول قرار می‌گیرد.

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ: نجاشی او را «ثقه» دانسته است.^[۶]

مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ: نجاشی درباره او می‌گوید: «كان وجهاً في أصحابنا و مقدماً كبير الشأن عظيم المحل ثقة».^[۷]

حُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ (حسن بن ابراهیم بن عبدالله محض): هیچ اطلاعاتی و نامی از ایشان در کتب رجالی وجود ندارد و مجهول است.

أَبِيهِ (ابراهیم بن عبد الله محض): هیچ اطلاعاتی و نامی از ایشان در کتب رجالی وجود ندارد و مجهول است.

طبق اصطلاحات رجالی، سند روایت، ضعیف و مهمل^[۸] است.

۲. کتاب النکاح، ج ۹، ص ۳۹۴.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۵۳.

۴. رجال النجاشی، ص ۷۶.

۵. فهرست کتب الشیعه، ص ۵۱.

۶. رجال النجاشی، ص ۲۱۶.

۷. رجال النجاشی، ص ۴۱۱.

۸. مهمل، حدیثی است که نام بعضی از راویان سند آن، در کتاب‌های رجالی نیامده یا بیانی از روش، عقیده و



توضیح مفردات روایت:

شیخ صدوق رحمته الله علیه این روایت را در کتاب اُمالی نقل کرده اما به جای واژه «الجمعه» از تعبیر «الجماعه» استفاده کرده است؛ «فما من مومن مشی فیهِ الی الجماعه...»^[۱] مراد از «جماعه» در این فراز همان نماز جمعه است؛ زیرا حضرت در مقام بیان ویژگی روز جمعه بودند و فاء در «فما من مومن» جواب «اما» محسوب می شود و سیاق عبارت نیز نشان می دهد که مراد، نماز جمعه است. از همین رو حُرّ عاملی رحمته الله علیه این بخش از روایت را در ابواب صلاة الجمعة و آدابها از اُمالی آورده و بجای «الجماعه» تعبیر «الجمعه» آورده است؛ «فما من مومن مشی فیهِ الی الجمعة»^[۲].

در قسمتی از این روایت طولانی، حضرت درباره نماز جمعه و فضیلت حرکت به سمت نماز جمعه می فرماید: هر مؤمنی که روز جمعه برای شرکت در نماز جمعه راهی شود، خداوند سختی های هولناک روز قیامت را برایش سبک می کند و او را مستقیماً راهی بهشت می کند.

بررسی دلای روایت:

یکی از مراحل زندگی بعد از مرگ، قیامت و حوادث هولناک آن است. حضرت با سیاق «نفی و استثنا» - که از ادات حصر^[۳] محسوب می شود و معنای «فقط» یا «جز این نیست» را می رساند - می فرماید: حرکت به سوی این عبادت جمعی می تواند انسان را از آن هول و هراس، نجات دهد.

۲.۳. حرام شدن بدن بر آتش

یکی دیگر از مراحل که انسان ها در پیش دارند، بهشت و جهنم است. انسان باید با اعمال و رفتار خود، راه نجات از آتش دوزخ را فراهم سازد.

«وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَائِثَةَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي زَيْدٍ التَّهْدِيّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعَفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام مَا مِنْ قَدَمٍ سَعَتْ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهَا عَلَى النَّارِ»^[۴]

بررسی سند روایت:

الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَائِثَةَ: در منابع رجالی، توثیق یا تضعیف صریحی درباره او وارد نشده و از این جهت مجهول به شمار می رود؛ اما وی از مشایخ صدوق است و صدوق نسبت به مشایخ خود اظهار ترضی کرده که این امر، نشانه ای بر وثاقت او است.^[۵]

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ: نجاشی درباره او می گوید: «ثقة فی الحديث، ثبت، معتمد، صحيح المذهب».^[۶]

أبراهیم بن هاشم قمی: گرچه توثیق خاصی درباره او در کتب رجالی نیامده است، اما شیخ طوسی تعبیر «أخبرنا بهما جماعة من أصحابنا» را درباره او آورده که نشان دهنده اعتماد اصحاب به وی است؛^[۷] همچنین آیت الله شبیری زنجانی او را «ثقة» دانسته و گفته است: «در وثاقت و جلالت ابراهیم بن هاشم بحثی نیست».^[۸]

۴. الامالی، ص ۳۶۶.

۵. کتاب صلاة الجمعة.

۶. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۲۶۰.

۷. فهرست کتب الشیعه، ج ۱، ص ۱۱.

کان دیدن العلماء فی حقّ الأعاضم و الأكابر هو الحكم بالوثاقة، و إن لم یرد فی حقهم التصريح بها، فلاجل ذلك نحکم بوثاقة نظراً لإبراهیم بن هاشم و الصدوق و غیرهما، و إن لم یرد فی حقهم تصريح بالوثاقة، کلیات علم الرجال، ص ۲۳۲.

۸. کتاب النکاح، ج ۴، ص ۱۱۱.

مرام آنان نشده باشد. «و هو ما لم یذكر بعض رواته فی کتاب الرجال ذاتاً و وصفاً»، مقباس الهدایه فی علم الدرايه، ج ۱، ص ۳۹۷.

۱. الامالی، ص ۳۶۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۹۸.

۳. عروس الافراح فی شرح تلخیص المفتاح، ج ۱، ص ۴۰۱.

محمد بن ابی عمیر زیاد: نجاشی درباره او

۱۳.۳. مسابقه به سمت بهشت

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُوَيْبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَصَّلَ اللَّهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْأَيَّامِ وَإِنَّ الْجَنَانَ لَأَرْخَرُفُ وَ تُزَيِّنُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِمَنْ آتَاهَا وَإِنَّكُمْ تَتَسَائِقُونَ إِلَى الْجَنَّةِ عَلَى قَدَرِ سَبْقِكُمْ إِلَى الْجُمُعَةِ وَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَتَنْفَعُ لِمُصْعِدٍ أَعْمَالِ الْعِبَادِ»^[۶]

بررسی سند روایت:

محمد بن یحیی العطار: نجاشی درباره او می‌گوید: «شیخ صاحبنا فی زمانه، ثقة، عین»^[۷]؛ احمد بن محمد بن عیسی الاشعری: شیخ طوسی او را «ثقه» دانسته است.^[۸] محمد بن خالد البرقی: شیخ طوسی درباره او می‌گوید: «ثقه»^[۹]. نضر بن سوید الصیرفی: شیخ طوسی او را «ثقه» دانسته^[۱۰] و نجاشی نیز گفته است: «ثقه، صحیح المذهب»^[۱۱]. عبدالله بن سنان: شیخ طوسی او را «ثقه» معرفی کرده^[۱۲] و نجاشی نیز می‌گوید: «ثقه، من اصحابنا، جلیل، لا یطعن علیه فی شیء»^[۱۳]. شیخ طوسی رحمته الله نیز همین روایت را با همین سند در کتاب «تهذیب» از «کافی» نقل کرده است.^[۱۴] بنابرین، سند روایت، طبق قواعد رجالی صحیح است.^[۱۵]

گفته است: «جلیل القدر عظیم المنزلة فینا و عند المخالفین»^[۱] و شیخ طوسی نیز او را «ثقه» معرفی کرده است.^[۲]

ابی زیاد النهدی: جرح و تعدیل خاصی در کتب روایی از او دیده نشده است اما از باب توثیق عام می‌شود گفت: «فقد روی عنه محمد بن ابی عمیر الذی لایروی و لایرسل الا عن ثقه». عبدالله بن بکیر بن اعین: شیخ طوسی درباره او گفته است: «فطحی المذهب، إلا أنه ثقة»^[۳]. بنابرین، طبق مبانی علم رجال، روایت موثق^[۴] است.

بررسی دلای روایت:

یکی از اعمالی که می‌تواند انسان را در مسیر نجات یاری کند، شرکت در نماز جمعه است. امام صادق عليه السلام در این روایت می‌فرماید: «هیچ گامی نیست که به سوی نماز جمعه برداشته شود، مگر اینکه خداوند بدن صاحب آن را بر آتش جهنم حرام گرداند».

حضرت در این روایت نیز همانند روایت پیشین از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ساختار «نفی و إلا» استفاده کرده که در ادبیات عرب، دلالت بر حصر دارد؛^[۵] یعنی تنها این عمل، چنین اثری عظیم را در پی دارد. این تعبیر، نشان‌دهنده اهمیت حرکت به سوی نماز جمعه و نقش آن در رهایی از آتش جهنم است.

۱. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲. رجال طوسی، ج ۱، ص ۳۶۵.

۳. فهرست کتب الشیعه، ج ۱، ص ۳۰۴؛ اختیار معرفة

الرجال، ج ۲، ص ۶۳۵.

۴. حدیث موثق: «ما اتصل سنده الی المعصوم بمن نص الأصحاب علی توثیقه، مع فساد عقیدته، بان کان من أحد الفرق المخالفة للإمامیة و إن کان

من الشیعة، مع تحقق ذلك فی جمیع رواة طریقه أو بعضهم مع کون الباقرین من رجال الصحیح»؛

مقیاس الهدایه فی علم الدرایه، ج ۱، ص ۱۶۸.

۵. عروس الافراح فی شرح تلخیص المفتاح، ج ۱،

ص ۴۰۱.

۶. الکافی، ج ۳، ص ۴۱۵؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۴.

۷. رجال النجاشی، ص ۳۵۳.

۸. رجال طوسی، ج ۱، ص ۳۵۱.

۹. رجال طوسی، ج ۱، ص ۳۶۳.

۱۰. رجال طوسی، ج ۱، ص ۳۴۵.

۱۱. رجال النجاشی، ص ۴۲۲.

۱۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۷۱۰.

۱۳. رجال النجاشی، ص ۲۱۴.

۱۴. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۴.

۱۵. «انه ما اتصل سنده الی المعصوم عليه السلام بنقل العدل



و می فهماند که این شتاب، تنها یک رفتار عادی نیست؛ بلکه مسابقه‌ای معنوی است که هر کس در آن پیشی گیرد، در مسیر رسیدن به بهشت نیز پیش‌تاز خواهد بود.

۲.۳.۳. روایت دوم

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْأَمَالِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَزْطِيِّ عَنْ مُفَضَّلٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا كَانَ حَيْثُ يُبْعَثُ اللَّهُ الْعِبَادَ آتَى بِالْأَيَّامِ يُعْرِفُهَا الْخَلَاءِيقُ بِأَسْمِهَا وَحَلَّتِهَا يُقَدِّمُهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ - لَهُ نَوْرٌ سَاطِعٌ يَتَّبِعُهُ سَائِرُ الْأَيَّامِ كَأَنَّهَا عُرُوشٌ كَرِيمَةٌ ذَاتٌ وَقَارٍ تُهْدَى إِلَى ذِي جَلَمٍ وَ يَسَارٍ ثُمَّ يَكُونُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ شَاهِدًا وَ حَافِظًا لِمَنْ سَارَعَ إِلَى الْجُمُعَةِ ثُمَّ يَدْخُلُ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى الْجَنَّةِ عَلَى قَدَرِ سَبْقِهِمْ إِلَى الْجُمُعَةِ»^[۲]

امام باقر عليه السلام فرموده است: «هنگامی که خداوند بندگان را در قیامت برمی‌انگیزد، روزها نیز در صحنه قیامت آشکار می‌شوند؛ به گونه‌ای که مردم نام‌ها و ویژگی‌های آن‌ها را می‌شناسند. روز جمعه در پیشاپیش روزها حرکت می‌کند و دارای نوری درخشان است و دیگر روزها در پی آن روان‌اند؛ گویی عروسی، گران‌قدر و باوقار است که به مردی مشتاق و توانگر هدیه می‌شود.

روز جمعه، گواه کسانی است که در نماز جمعه شرکت کرده‌اند و مؤمنان به اندازه حضور و پیشی گرفتنشان در نماز جمعه، وارد بهشت می‌شوند».

بررسی سند روایت:

محمد بن موسی بن المتوکل: علامه حلی او را «ثقه» دانسته است.^[۳]

۲. الامالی، ص ۳۹۷.

۳. خلاصة الأقال في معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۴۹.

بررسی دلای روایت:

مراد از «سبقت به سوی جمعه»، سبقت در حضور در نماز جمعه و شرکت در خطبه‌هاست؛ زیرا حرکت زمان برای همه انسان‌ها نسبت به روز جمعه یکسان است و کسی نمی‌تواند ادعا کند که از جهت زمانی زودتر از دیگران به روز جمعه رسیده است. بنابراین، مقصود از «سبق إلى الجمعة»، سبقت در حضور در نماز جمعه است.

علامه محمد باقر مجلسی رحمته الله در «مرآة العقول» روایت را چنین معنا کرده است: «یدل علی استحباب البکور إلى المسجد و يمكن أن يكون المراد السبق في اللحوق بالإمام في الخطبة و الصلاة»^[۱] یعنی این روایت بر استحباب زود رفتن به مسجد دلالت دارد و ممکن است مقصود، سبقت گرفتن در رسیدن به امام برای درک خطبه و نماز باشد.

این روایت همچنین فضیلت روز جمعه را نسبت به دیگر روزهای هفته بیان می‌کند و نشان می‌دهد که خداوند متعال این روز را بر سایر ایام برتری داده است.

از سوی دیگر، روایت تأکید می‌کند که نماز جمعه از مهم‌ترین عبادات اجتماعی و دینی است و شتاب برای حضور در آن، نشانه ایمان، اهتمام به عبادت الهی و علاقه به اجتماع مؤمنان به شمار می‌آید. مقصود از «پیشی گرفتن» آن است که انسان زودتر بیدار شود، زودتر حرکت کند و برای حضور به‌موقع. بلکه پیش از دیگران. در نماز جمعه تلاش نماید.

جمع‌بندی: این روایت با بیانی زیبا

و اثرگذار، مسلمانان را به شتاب در

حضور در نماز جمعه دعوت می‌کند

الإمامية عن مثله في جميع الطبقات، حيث تكون متعددة، مقباس الهداية، ج ۱، ص ۱۴۶.

۱. مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول، ج ۱۵، ص ۳۴۲.

قیامت حضور دارند و می‌توانند شاهد و گواه اعمال باشند.

این مطلب نشان‌دهنده اهمیت زمان در معارف اسلامی است. برخی روایات دلالت دارند که زمان صرفاً یک امر فیزیکی و قراردادی نیست، بلکه دارای نوعی حقیقت و آثار معنوی است و هر روز ویژگی‌های خاص خود را دارد. البته برخی شارحان این‌گونه روایات را ناظر به محسوس‌سازی مفاهیم معنوی دانسته‌اند؛ یعنی هدف روایت، قابل فهم کردن عظمت وقایع قیامت برای ذهن انسان است، نه اینکه زمان به معنای متعارف دارای شعور و ادراک مستقل باشد.

در ادامه، روایت می‌فرماید: «روز جمعه پیشاپیش روزها حرکت می‌کند و پرتویی درخشان دارد». این تعبیر، برتری و امتیاز روز جمعه را نسبت به سایر روزها نشان می‌دهد. نورانیت و پیشتازی جمعه، کنایه از شرافت و جایگاه‌الای آن در میان روزهای هفته است؛ تا آنجا که به «عروسی گران‌قدر و باوقار» تشبیه شده که به مردی مشتاق و توانگر هدیه می‌شود.

این تشبیه، تصویری زیبا و پرمعنا دارد؛ یعنی روز جمعه نعمتی ارزشمند و هدیه‌ای الهی است که تنها افراد شایسته قدر آن را می‌دانند و از برکاتش بهره می‌برند.

سپس روایت می‌فرماید: «روز جمعه شاهد و گواه کسانی است که در نماز جمعه شرکت کرده‌اند». نه تنها عمل نماز جمعه، بلکه روز جمعه نیز در قیامت، بر حضور یا ترک این عبادت گواهی می‌دهد.

در پایان روایت آمده است: «مؤمنان به اندازه شرکت و پیشی گرفتن در نماز جمعه وارد بهشت می‌شوند». این جمله نتیجه و پیام اصلی روایت است: «پیشی گرفتن» یعنی عجله کردن، زودتر رفتن، و تلاش برای حضور به موقع یا حتی زودتر از دیگران، این نشان می‌دهد که نه فقط شرکت، بلکه کیفیت و شوق در شرکت نیز مهم است.

محمد بن یحیی العطار: نجاشی درباره او می‌گوید: «شیخ اصحابنا فی زمانه، ثقة، عین».^[۱]

أحمد بن محمد بن عیسی: شیخ طوسی او را «ثقة» معرفی کرده است.^[۲]

أحمد بن محمد بن أبی نصر البزنطی: شیخ طوسی درباره او می‌گوید: «ثقة، لقی الرضا علیه السلام و كان عظیم المنزلة عنده».^[۳] درباره مفصل بن عمر الجعفی، نجاشی می‌گوید: «فاسد المذهب، مضطرب الروایة، لایعبا به».^[۴] اما با توجه به سخن شیخ طوسی علیه السلام که فرمود: «فقد روی عنه محمد بن ابی عمیر و احمد بن محمد بن ابی نصر و هما لایرویان و لایرسلان الا عن ثقة».^[۵]

می‌توان گفت چون احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی از او روایت کرده است و این دو بزرگوار تنها از افراد مورد اعتماد روایت می‌کنند، مفصل بن عمر بر اساس این قاعده دارای توثیق عام خواهد بود.

جابر بن یزید: نجاشی درباره او می‌گوید: «كان فی نفسه مختلطاً»^[۶] و شیخ طوسی او را «صدوق فی الحدیث»^[۷] دانسته است.

بنابراین، طبق قواعد رجالی، این روایت صحیح است.

بررسی دلای روایت:

در بخش نخست روایت آمده است: «چون خداوند بندگان را در قیامت مبعوث می‌کند، روزها هم در صحنه قیامت آشکار می‌شوند»؛ این بخش اشاره به روزهای هفته دارد که در قیامت به صورت موجوداتی معنوی و شناخته شده ظاهر می‌شوند؛ بدین معنا نه تنها اعمال انسانها، بلکه زمان‌هایی که انسان در آن زیسته نیز در

۱. رجال النجاشی، ص ۳۵۳.

۲. رجال طوسی، ج ۱، ص ۳۵۱.

۳. فهرست کتب الشیعه، ج ۱، ص ۵۰.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۱۶.

۵. العدة فی علم الاصول، ج ۱، ص ۱۵۴.

۶. رجال النجاشی، ص ۱۲۸.

۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۴۴۳.

فیض کاشانی رحمته الله علیه این موارد را از مصادیق آیه شریفه زیر دانسته است:

{وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ}.^[۴]

وی معتقد است که همه این موارد نوعی عبادت هستند و خروج برای انجام آنها نوعی هجرت به سوی خدا و رسول او به شمار می‌آید؛^[۵] یکی از این موارد، حرکت برای شرکت در نماز جمعه است. بر این اساس، رفتن به سوی نماز جمعه نیز مصداقی از هجرت به سوی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محسوب می‌شود. با توجه به جایگاه و اهمیت هجرت در قرآن و روایات، می‌توان از این روایت به اهمیت فراوان حرکت به سوی نماز جمعه پی برد. همچنین اگر کسی در مسیر نماز جمعه از دنیا برود. خواه بر اثر دشمنی، بیماری، تصادف یا هر عامل دیگری. پاداش او بر عهده خداوند قرار می‌گیرد؛ یعنی اجر و ثواب چنین عملی آن قدر عظیم است که تنها خداوند می‌تواند پاداش آن را عطا کند.

۵.۳. ثبت نام شرکت کنندگان در نماز جمعه توسط ملائکه

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّصْرِ بْنِ شُوَيْبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيَّانٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْيَحْتَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ - نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ مَعَهُمْ قَرَاتِيصٌ مِنْ فِصَّةٍ وَأَقْلَامٌ مِنْ ذَهَبٍ فَيَجْلِسُونَ عَلَى أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ عَلَى كُرَاسٍ مِنْ ثَوْبٍ فَيَكْتُبُونَ النَّاسَ عَلَى مَنَازِلِهِمُ الْأَوَّلَ وَ الثَّانِي حَتَّى يَخْرُجَ الْإِمَامُ فَإِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ طَوَّأُوا صُحُفَهُمْ وَ لَا يَهْطِطُونَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَيَّامِ إِلَّا يَوْمَ الْجُمُعَةِ - يَغْنِي الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ».^[۶]

در نتیجه، هرچه انسان با رغبت، آمادگی و شوق بیشتری به سوی نماز جمعه حرکت کند، در مراتب قرب الهی و بهره‌مندی از نعمت‌های بهشتی نیز پیش‌تر خواهد بود.

۴.۳. مرگ در مسیر نماز جمعه برابر است با بهشت

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام صُمِنْتُ لِسَيِّئَةِ الْجَنَّةِ ... رَجُلٌ خَرَجَ إِلَى الْجُمُعَةِ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ».^[۱]

بررسی سند روایت:

اصل این روایت در کتاب «من لا يحضره الفقيه» نقل شده است. شیخ صدوق رحمته الله علیه روایت را بدون ذکر سند از امیرالمومنین عليه السلام نقل کرده است؛ بنابراین، روایت مرسل به شمار می‌آید و از حیث اعتبار سندی، معتبر نیست و در شمار روایات ضعیف است. شیخ حرّ عاملی رحمته الله علیه این روایت را از کتاب فقیه در دو جلد «وسائل الشیعه» نقل کرده است؛ اما در متن روایت دو کلمه افزوده شده است؛ «علی الله» و «منهم». «صُمِنْتُ لِسَيِّئَةِ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةِ مِنْهُمْ رَجُلٌ خَرَجَ إِلَى الْجُمُعَةِ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ».^[۲] اگر مخاطب کتاب «وسائل الشیعه» به فقیه مراجعه نکند، ممکن است این دو کلمه را جزء متن روایت تصور کند، در حالی که چنین نیست.^[۳]

بررسی دلالی روایت:

با وجود ضعف سند، می‌توان متن روایت را از جهت دلالی بررسی کرد. در این روایت امیرالمومنین عليه السلام شش مورد را بیان می‌کند و می‌فرماید: اگر کسی این اعمال را انجام دهد، بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.

۴. نساء، آیه ۱۰۰.

۵. الوافی، ج ۲۴، ص ۲۷۲.

۶. الکافی، ج ۳، ص ۴۱۳.

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۸.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۴۷.

ترجمه روایت :

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که روز جمعه فرا می‌رسد، فرشتگان مقرب فرود می‌آیند. آنان طومارهایی از نقره و قلم‌هایی از طلا همراه دارند و بر درهای مسجد، بر کرسی‌هایی از نور می‌نشینند و نام مردم را بر اساس ترتیب حضورشان ثبت می‌کنند؛ اول، دوم و به همین ترتیب. این کار تا زمانی ادامه دارد که امام جمعه برای خطبه خارج شود. هنگامی که امام خارج شود، فرشتگان طومارهای خود را می‌بندند و بازمی‌گردند و تا جمعه بعدی فرود نمی‌آیند.

بررسی سند روایت:

محمد بن یحیی العطار: نجاشی درباره او می‌گوید: «شیخ اصحابنا فی زمانه، ثقة، عین».^[۱]

أحمد بن محمد بن عیسی الاشعری: شیخ طوسی او را «ثقه» دانسته است.^[۲]

حسین بن سعید الاهوازی: شیخ طوسی درباره او می‌گوید: «ثقه، امامی صحیح المذهب».^[۳]

نضر بن سوید صیرفی: شیخ طوسی او را «ثقه» دانسته^[۴] و نجاشی نیز می‌گوید: «ثقه صحیح المذهب».^[۵]

عبدالله بن سنان: شیخ طوسی او را «ثقه» معرفی کرده است^[۶] و نجاشی نیز می‌گوید: «ثقه، من اصحابنا، جلیل، لا یطعن علیه فی شیء».^[۷]

حفص بن بختری البغدادی: نجاشی او را «ثقه» دانسته است.^[۸]

محمد بن مسلم ثقفی: نجاشی درباره او می‌گوید: «کان من اوثق الناس»^[۹] همچنین کشی رحمته الله درباره او گفته است: «اجمعت العصابة علی تصدیق هؤلاء الأولین من أصحاب أبی جعفر علیه السلام و أبی عبد الله علیه السلام و انقادوا لهم بالفقہ، فقالوا: أفقه الأولین سته».^[۱۰]

بنابراین، بر اساس قواعد علم رجال، سند این روایت صحیح است.

بررسی دلای روایت:

این روایت، از تأثیرگذارترین روایات برای حضور مردم در نماز جمعه است. فرشتگان مقرب الهی در روز جمعه فرود می‌آیند و با دسته‌هایی از نقره و قلم‌هایی از طلا، نام کسانی را که به سوی مسجد حرکت می‌کنند، ثبت می‌کنند. این تصویر نمادین و معنوی، جایگاه والای نماز جمعه را در نظام دینی به خوبی نشان می‌دهد.

روایت، تصویری زیبا و الهی از روز جمعه ترسیم می‌کند؛ روزی که فرشتگان مقرب الهی به زمین می‌آیند، نه برای ثبت گناهان، بلکه برای ثبت نام مؤمنانی که با شوق، ایمان و اشتیاق به سوی نماز جمعه حرکت می‌کنند. این نکته، خود بیانگر عظمت، قداست و اهمیت این فریضه الهی است. در روایت آمده است که فرشتگان با طومارهایی از نقره و قلم‌هایی از طلا حضور می‌یابند و نام شرکت‌کنندگان را ثبت می‌کنند. این تعبیر، کنایه از ارزش و منزلت بسیار بالای این عمل در پیشگاه خداوند است؛ گویی خداوند اعمال بندگان را با نهایت احترام و ارزش ثبت می‌کند.

بنابراین، حضور در نماز جمعه یک عمل عادی و روزمره نیست، بلکه نوعی سرمایه‌گذاری بزرگ معنوی و گامی مهم در مسیر تقرب الهی به شمار می‌آید.

۹. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۲۳.

۱۰. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۰۷.

۱. رجال النجاشی، ص ۳۵۳.

۲. رجال طوسی، ج ۱، ص ۳۵۱.

۳. رجال طوسی، ص ۳۵۵؛ فهرست کتب الشیعه، ص ۱۴۹.

۴. رجال طوسی، ج ۱، ص ۳۴۵.

۵. رجال النجاشی، ص ۴۲۷.

۶. اختیار معرفة الرجال، ص ۷۱۰.

۷. رجال النجاشی، ص ۲۱۴.

۸. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۱۳۴.



نشستن فرشتگان بر کرسی‌هایی از نور، فضایی ملکوتی و قدسی را تداعی می‌کند و در آن، مرز بین عالم دنیا و عالم آخرت محو می‌شود. آن‌ها در محل تجمع مؤمنان می‌نشینند، و نام آنان را براساس ترتیب ورود ثبت می‌کنند. کسی که زودتر می‌آید، درجات بالاتری دارد، چون این شتاب، نشانه شوق و عشق به خدا و جماعت مؤمنان است.

این ثبت‌نام تا زمان خروج امام، ادامه دارد و به محض آنکه امام بیرون می‌آید، فرشتگان دسته‌هایشان را می‌پیچند. این نشان می‌دهد که فرصت خاص ثبت این اعمال معنوی، فقط تا قبل از شروع نماز است. این لحظات، فرصت طلایی برای کسب فضیلت است و هر قدم به سوی مسجد در این بازه زمانی، ارزش بالایی دارد.

این روایت با زبانی عرفانی و نمادین، پیامی عمیق دارد: نماز جمعه فقط یک عبادت نیست، بلکه یک رویداد معنوی بزرگ است که در آن، فرشتگان خدا، شاهد حرکت مؤمنان هستند و هر قدم به سوی مسجد، در کتابی با ارزش ثبت می‌شود.

این روایت، انگیزه‌ای قوی برای حضور به موقع در نماز جمعه یادآوری می‌کند که این نماز، فرصتی استثنایی برای تقرب به خدا و کسب درجات در آخرت است.

نتیجه‌گیری

با بررسی روایات کتاب «وسائل الشیعه» درباره اهمیت نماز جمعه، می‌توان دریافت که این فریضه افزون بر بُعد عبادی، دارای آثار گسترده دنیوی و اخروی است. بر پایه روایات، آثار دنیوی نماز جمعه عبارت‌اند از:

- نماز جمعه فرصتی برای تجدید ایمان و آغاز دوباره مسیر معنوی است.
- حضور در نماز جمعه برای افرادی که توان مالی انجام فریضه حج را ندارند، هم‌سنگ حج دانسته شده است.
- روز و زمان برگزاری نماز جمعه از برترین اوقات اجابت دعا به شمار می‌آید.
- همچنین، روایات به آثار اخروی نماز جمعه نیز اشاره کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:
- شرکت در نماز جمعه موجب آرامش و کاهش سختی‌های قیامت می‌شود.
- بدن کسانی که به نماز جمعه مداومت دارند، بر آتش دوزخ حرام می‌گردد.
- کسانی که در حضور به نماز جمعه سبقت می‌گیرند، در واقع به سمت بهشت مسابقه می‌دهند.
- اگر کسی در راه نماز جمعه از دنیا برود، مانند فردی است که بهشت نصیبش می‌شود.
- فرشتگان، نام کسانی را که زودتر برای اقامه نماز جمعه وارد مسجد جامع می‌شوند، در دفتر مخصوصی ثبت می‌کنند.
- این گونه‌شناسی نشان می‌دهد که نماز جمعه تنها یک عمل فردی نیست، بلکه نوعی «سرمایه‌گذاری معنوی» است که آثار و برکات آن هم در دنیا - مانند آرامش درونی، آرزش گناهان و استجابت دعا - و هم در آخرت - همچون نجات از عذاب، ورود به بهشت و بهره‌مندی از شفاعت - آشکار می‌شود. از این رو، در شرایطی که در برخی مناطق استقبال عمومی از این فریضه الهی کاهش یافته است، بازشناسی و تبیین این فضایل معنوی، می‌تواند انگیزه‌ای مؤثر برای بازگشت آگاهانه و مشتاقانه مردم به نماز جمعه فراهم سازد.

منابع

۱۶. روضه المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، قم: موسسه فرهنگي كوشانپور.
۱۷. صلاة الجمعة، مرتضى حائري، قم، جامعه المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الاسلامي.
۱۸. العدة في علم الاصول، محمد بن حسن طوسي، قم.
۱۹. عروس الافراح في شرح تلخيص المفتاح، علي بن عبد الكافي سبكي، بيروت: المكتبة العصرية.
۲۰. فضائل الشيعة، محمد بن علي ابن بابويه، تهران، اعلمی.
۲۱. فهرست كتب الشيعة و اصولهم و اسماء المصنفين و اصحاب الاصول (ط - الحديثه)، محمد بن حسن طوسي، مكتبة المحقق الطباطبائي.
۲۲. قاموس قرآن، سيد علي اكبر قريشي، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
۲۳. الكافي (ط - دارالاسلاميه)، محمد بن يعقوب كليني، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
۲۴. كامل الزيارات، جعفر بن محمد ابن قولويه، نجف اشرف، دار المرتضويه.
۲۵. كتاب نكاح، موسى شبيري زنجانى، قم، موسسه پژوهشى راي پرداز.
۲۶. كليات في علم الرجال، جعفر سبحاني، قم، مركز مديريت حوزه علميه قم.
۲۷. مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول، محمداقبر بن محمدتقي مجلسي، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
۲۸. مستدرک الوسائل، حسين بن محمدتقي نوري، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۲۹. مفتاح الكرامه في شرح قواعد العلامة (ط الحديثه)، سيد محمدجواد حسيني عاملي، قم، جامعه المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الاسلامي.
۳۰. مفردات الفاظ القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهاني، بيروت، دارالقلم.

۱. قرآن كريم.
۲. امالي صدوق، محمد بن علي ابن بابويه، تهران، كتابچي.
۳. تفسير العياشي، محمد بن مسعود عياشي، تهران، مكتبة العلميه الاسلاميه.
۴. تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن حر عاملي، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۵. تهذيب الاحكام (تحقيق خراسان)، محمد بن حسن طوسي، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
۶. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علي ابن بابويه، قم، دار الشريف الرضي للنشر.
۷. درس خارج استاد محمدي ري شهري.
۸. درس خارج فقه صلاة الجمعة، آيت الله سيد مجتبي نور مفيدى.
۹. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد ابن حيون، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۱۰. رجال الطوسي، محمد بن حسن طوسي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه.
۱۱. رجال العلامة الحلي، حسن بن يوسف بن علي بن مطهر حلي، نجف اشرف، دائر الذخائر.
۱۲. رجال الكشي، اختيار معرفه الرجال، محمد بن عمر كشي، مشهد، مؤسسة نشر دانشگاه مشهد.
۱۳. رجال النجاشي، احمد بن علي نجاشي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه.
۱۴. الرعايه في علم الدرايه، زين الدين بن علي الجبعي العاملي، قم، مكتبة آيت الله المرعشي العامه.
۱۵. الروايش السماويه في شرح احاديث الاماميه، محمداقبر بن محمدحسيني استرآبادي، قم، دار الخلافه.

٣١. مقباس الهدايه فى علم الدرايه، عبدالله مامقانى، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث.
٣٢. ملاذ الاخيار فى تهذيب الاخبار، محمّد باقر بن محمّد تقى مجلسى، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
٣٣. من لا يحضره الفقيه، محمّد بن على ابن بابويه، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٣٤. الميزان فى تفسير القرآن، سيّد محمّد حسين طباطبايى، قم، مؤسسة الاعلامى للمطبوعات.
٣٥. الوافى، محمّد محسن بن شاه مرتضى فيض كاشانى، اصفهان، كتابخانه امام اميرالمومنين على عليه السلام.
٣٦. وصول الاخبار الى اصول الاخبار، حسين بن عبد الصمد عاملى، قم مجمع الذخائر الاسلاميه.

